

					
یاد شیرین کلاس استاد حمید متبسم	راز ظریف استاد... عماد برقعی	۱۴	جاسم غضبان پور: عکاسان دفاع مقدس مرکز توجه نیستند	۱۵	خاک همدان دامنگیر است همراه با بخشی از سفرنامه فلائدن
					

گذشته، حال و آینده موسیقی سنتی ایرانی در گفت‌وگو با استاد هوشنگ ظریف

این روزها همه شبیه هم می‌خوانند و می‌نوازند...



پژمان موسوی peyman.mousavi@gmail.com

– جناب استاد ظریف، جنابعالی از جمله اساتید صاحب سبک در موسیقی ایرانی هستید. ریشه گرایش شما به نوازندگی تار به چه زمان و چه واقعه‌ای برمی‌گردد؟ در واقع چه شد که شما به موسیقی سنتی ایرانی و نوازندگی تار روی آوردید؟ شاید کمابیش مخاطبان از این امر مطلع باشند اما شنیدن آن از زبان خود شما لطف دیگری دارد.

مرحوم وزیری تبار در دورانی که من در سال‌های ابتدایی تحصیل بودم، با خانواده ما روابط خانوادگی داشت. روزی وی به پدرم پیشنهاد می‌کند که فرزندانش را به هنرستان موسیقی بفرستد زیرا موسیقی آینده خوبی دارد و پدرم هم این پیشنهاد را می‌پذیرد. نخست برادرم برای آموزش ویولن و فلوت به هنرستان موسیقی رفت. من هم که در آن زمان از صدای تار مرحوم مجد که در رادیو پخش می‌شد بسیار خوشم می‌آمد، وقتی برای تحصیل به این هنرستان رفتم، فوراً ساز خود را تار برگزیدم و در محضر اساتید بنامی چون موسی‌خان معروفی، روح‌الله خالقی، جواد معروفی و حسین تهرانی تلمذ کردم. مرحوم روح‌الله خالقی در آن زمان تأکید زیادی بر جمع شدن بچه‌های هنرستان در کنار هم در یک گروه داشت که نتیجه این امر هم اجراهای گروهی ما در صحنه بود. بعدها قرار شد که من ساز دود خود را هم انتخاب کنم. من در آن زمان فلوت را انتخاب کردم. پس از یک ماه که متوجه شدم از تسلط زیادی نمی‌توانم با آن برقرار کنم، فلوت را کنار گذاشتم و کنترباس را انتخاب کردم. این در حالی بود که من همچنان تکنوازی تار را ادامه می‌دادم. من در آن سال‌ها و سال‌های پس از آن، در تلویزیون برنامه‌های زنده فراوانی را اجرا کردم و هم‌زمان هم در گروه‌های زیادی از جمله گروه استاد پایور به عنوان نوازنده تار به فعالیت مشغول بودم. در خردادماه سال ۳۷ از هنرستان فارغ‌التحصیل شدم و بلافاصله در مهرماه همان سال به استخدام رسمی وزارت فرهنگ و هنر درآمدم (اسری که احتمال وقوعش در عمر کنونی تقریباً صفر به نظر می‌رسد). در ابتدای کار من در برخی مدارس به تدریس درس سرود و موسیقی پرداختم. آن زمان ماهی ۲۷۰ تومان هم حقوق می‌گرفتم. بعدها در هنرستان هم شروع به تدریس کردم، چهار سال هم در خدمت استاد شهنزاری در هنرکده کار کردم، هنرکده‌ای که این روزها دانشگاه هنر خوانده می‌شود.

– بنابراین این می‌توان نتیجه گرفت که اگر مرحوم وزیری تبار با خانواده شما ارتباط خانوادگی نداشت، شاید شما هم هیچ‌گاه به وادی موسیقی سنتی وارد نمی‌شدید؟

شاید اگر آقای وزیری تباری نبود تا به پدرم پیشنهاد تحصیل ما در هنرستان را بدهد، ما اساساً از وجود این هنرستان بی‌اطلاع می‌ماندیم و زندگی‌مان در مسیر دیگری می‌افتاد. البته من این نکته را هم اضافه کنم که خانواده من خیلی هم از موسیقی و دنیای آن به دور نبودند و پدر من تنها مخالفتی با مرا تشویق می‌کرد که بعد از شام وقتی که دور هم بودیم، من قطعاتی را برای آنها بنوازم. هم برادر بزرگ من در کار موسیقی بود و ترومپت می‌زد و هم برادر کوچک من در کار موسیقی بود اما این تنها من بودم که تاکنون در این رشته و حرفه مانده‌ام و هر دو برادرم راه‌های دیگری را برگزیدند و از دنیای حرفه‌ای موسیقی فاصله گرفتند.

– همسر تان هم در زمینه موسیقی فعال هستند. آن نحوه آشنایی‌تان با ایشان یگویی.

همسر من هم شاگرد همان هنرستان بود. در واقع پیشنهاد مرحوم وزیری تبار برای رفتن من به هنرستان، هم آینده کاری‌ام را در آنجا رقم زد و هم آینده شغلی‌ام را همسر در هنرستان یک سال پایین‌تر از آن من بود و آنجا با هم آشنا شدیم. من پس از فارغ‌التحصیلی یک سال صبر کردم تا او هم فارغ‌التحصیل شود. سپس طبق رسم رایج همراه با خانواده به خواستگاری وی رفتیم. پس از موافقت خانواده ایشان، ما در سال ۳۸ با هم عقد کردیم که حاصل این ازدواج دو پسر و یک دختر بود. پسر بزرگ در وین مهندسی نساجی خواند، پسر دوم هم مهندسی کامپیوتر را در همان شهر وین گرفت. دخترم هم پیانو می‌زد و شاگر آقای اردشیر روحانی بود. هرچند فرزندان من زیاد طرف موسیقی نرفتند ولی دو نوه دارم که هر دو آنها در موسیقی استعداد فوق‌العاده‌ای دارند و هم‌اکنون یکی از آنها تار می‌زند و دیگری پیانو.

– آیا شما به عنوان یک موسیقیدان فرزندان خود را برای ادامه تحصیل و فعالیت در رشته

یاد شیرین کلاس استاد حمید متبسم

۱۴

راز ظریف استاد... عماد برقعی

۱۴

جاسم غضبان پور: عکاسان دفاع مقدس مرکز توجه نیستند

۱۵

خاک همدان دامنگیر است همراه با بخشی از سفرنامه فلائدن

۱۶

گذشته، حال و آینده موسیقی سنتی ایرانی در گفت‌وگو با استاد هوشنگ ظریف

این روزها همه شبیه هم می‌خوانند و می‌نوازند...

موسیقی تشویق می‌کردید یا از اینکه آنها رشته‌هایی دیگر غیر از موسیقی را برای ادامه تحصیل برگزیدند، راضی بودید؟

واقعیت این است که در زمان ما همه چیز برای تحصیل در حوزه موسیقی و تامین آینده توسط آن مهیا بود و مهم‌تر از آن اینکه هنرمندان در جامعه از احترام ویژه‌ای برخوردار بودند اما در زمانی که فرزندانم باید برای آینده حرفه‌ای خود تصمیم می‌گرفتند، شرایط فرق داشت و از همین رو من به آنها پیشنهاد کردم که شغلی دیگر را برای تامین زندگی‌شان برگزینند و اگر مایل بودند، موسیقی را نیز در کنار آن دنبال کنند.

– یعنی بر این باورید که موسیقی نمی‌تواند حرفه و شغل اصلی افراد باشد؟ فکر می‌کنید غیر از شرایط مادی، شرایط امروز برای اهالی موسیقی چه تفاوت‌هایی با زمان شما دارد؟

دقیقاً همین‌طور است. من امروز به بچه‌های علاقه‌مند به موسیقی می‌گویم که نمی‌توانید از طریق موسیقی زندگی‌تان را بچرخانید و این تازه تنها بخش مادی قضیه است زیرا این روزها ما می‌بینیم که متاسفانه در کشور کمترین اهمیتی به موسیقی داده نمی‌شود در حالی که در زمان ما کسی که در حوزه موسیقی کار می‌کرد از احترام بسیار زیادی برخوردار بود و برای مردم و دولتمردان ارزشمند بود. شما تصور کنید فارغ‌التحصیلان و موسیقیدانان ما به ویژه در موسیقی سنتی، امروز چه کار می‌توانند بکنند؟ با چند شاگرد که نمی‌توان زندگی را چرخاند. البته ممکن است بعضی در این روزگار هم در کار موسیقی بسیار موفق باشند و مشکلاتی از نظر معیشت نداشته باشند ولی واقعیت این است که این استثناست نه قاعده. موضوع دیگری که وجود دارد این است که متاسفانه موسیقی ایرانی در بسیاری از نقاط دنیا شناخته‌شده نیست و برخلاف موسیقی هندی که در بیشتر کشورهای دنیا شناخته شده است، موسیقی ایرانی بسیار غریب است و از همین رو خیلی از افراد با ذوق ما نمی‌توانند کنسرت‌هایی در خارج از کشور نایش داشته باشند و هنرشان را به جهانیان عرضه کنند.

– همان‌طور که می‌دانید، هنر و هنرمند در ذات خود مستقل از دولت‌هاست. آیا فکر نمی‌کنید کم‌کاری برخی هنرمندان موسیقی اصیل ایرانی منجر به این شده است که موسیقی ایرانی در دنیا این روزها کمتر شناخته شده باشد؟ هنرمندان ما به نظر من انگیزه و شوق و ذوق خود را تا حدود زیادی از دست داده‌اند که دنبال این کارها را بگیرند و در لاک خود فرو رفته‌اند. در حالی که قدیم‌ها این‌طور نبود و هنرمندان با شوق و ذوق یک چنین مواردی را دنبال می‌کردند جالب اینجاست که به نظر می‌رسد جوانان نیز دیگر چون گذشته شور و حال ندارند و بخش اعظم آنها نمی‌خواهند با نمی‌توانند از موسیقی ایرانی در خارج از کشور دفاع کرده و آن را به جهانیان معرفی کنند.

– به نظر می‌رسد سلیقه مخاطب ایرانی و به ویژه جوانان تا حدود زیادی با زمان گذشته تغییر کرده است به این معنی که این روزها موسیقی‌هایی که کمتر ارزش کیفی دارند مورد استقبال جوانان قرار می‌گیرند. علت اصلی چنین تغییر ذائقه‌ای را جنابعالی در چه عاملی می‌دانید؟

شما حتی اگر همین امروز هم به برنامه ۲۰ سال پیش گل‌هاوش کنید، از شنیدن ملودی‌های آن لذت می‌برید در حالی که موسیقی امروز ایران متأسفانه یک بار مصرف شده است و مخاطبان آهنگ‌ها و شعرها را که یک بار می‌شنوند، شاید برای بار دوم رغبتی به شنیدن‌شان نداشته باشند در حالی که آهنگ‌های تجویدی و بدیعی و خیلی‌های دیگر همچنان ماندگار است و اگر چندین و چند بار هم شنیده شوند، باز هم به دل می‌نشینند و مخاطب تمایل وافری برای شنیدن مجدد آنها از خود بروز می‌دهد. این روزها ما شاهد نکت بسیار زیاد نوازندگی‌ها هستیم در حدی

هنرمندان ما به باور من انگیزه و شوق و ذوق خود را تا حدود زیادی از دست داده‌اند که دنبال موضوعاتی مثل معرفی موسیقی اصیل ایرانی به جهانیان را بگیرند و در لاک خود فرو رفته‌اند در حالی که قدیم‌ها این‌طور نبود و هنرمندان با شوق و ذوق یک چنین مواردی را دنبال می‌کردند.



معجزه داستانی هنرمند و هنرپرور؛ این شاید شایسته‌ترین عنوان برای فردی باشد که عمر خود را وقف بقا و تداوم موسیقی اصیل و کلاسیک ایرانی کرده است: استاد هوشنگ ظریف در دانه تار ایران از جمله استادان صاحب سبک موسیقی ایرانی است که نه‌تنها تا به امروز شاگردان بزرگ و مطرحی را تربیت کرده است، که خود نیز در نوازندگی تار آثار بی‌مانندی را خلق کرده است. هوشنگ ظریف متولد سال ۱۳۱۷ هجری شمسی در تهران است و تا به امروز و با اجراهای متعدد در بسیاری از کشورهای جهان، کوشش بسیاری را برای معرفی و تداوم حیات موسیقی ایرانی در سایر کشورهای جهان از خود بروز داده است: امری که البته به گفته خود او هنوز هم ناتمام است و موسیقی ایرانی آن‌طور که شایسته جایگاه خود است، هنوز به جهانیان معرفی نشده است. با استاد رظریف درباره ریشه‌های گرایشش به تار، وضعیت موسیقی سنتی ایران، تغییر ذائقه مخاطب ایرانی، نوآوری در موسیقی و حد و مرزهای آن و حاشیه‌های سال‌های اخیر در بین اهالی موسیقی و غلبه آن بر متن گفت‌وگویی تر تیب داده‌ایم که در زیر می‌خوانید.



شيفته باده‌هنرآوی‌های اساتید به ویژه استاد شهناز و استاد مجد و استاد شریف هستم. – جنابعالی برای نوآوری در عرصه موسیقی سنتی و اصیل ایرانی چه حد و مرز و محدودیت‌هایی را قائل هستید؟ آیا نوآوری در هر شکلی که باشد مجاز می‌دانید؟ همان‌طور که می‌دانید ردیف، پایه و اساس موسیقی ماست. اما دلیلی نداره که در اجرایی خاص، هنرمند عین ردیف بزند بلکه باید از خود خلاقیت نشان داده و به صورت بادهه قطعه‌ای را بنوازد. در واقع عرض من این است که نوآوری باید لزوماً در قالب موسیقی کلاسیک ایرانی باشد اما این روزها ما بسیار شاهد هستیم که برخی نوازنده‌ها هر کاری دل‌شان می‌خواهد با ساز می‌کنند و هر سبکی که دل‌شان می‌خواهد می‌نوازند در حالی که ساز که اصلات دارد و اصالت ساز و صداده‌ی آن به‌هیچ‌وجه نباید از بین برود. در واقع حرف من این است که ریتم صدایی که از یک ساز سنتی ایرانی به گوش می‌رسد باید در محدوده آن ساز باشد و به هیچ‌وجه نباید در محدوده‌ای که خارج از آن است، مثلاً با ساز آلات تقاضای رسمی بازنشستگی دادم. از آن زمان هم گاهی در هنرستان و گاهی هم در آموزشگاه خودم تدریس می‌کنم و در واقع هنوز هم برای من تدریس در درجه اول اهمیت قرار دارد.

– بسیاری از اساتید که در سطح شما یا حتی سطحی پایین‌تر از جنابعالی قرار دارند، به امر آهنگسازی هم می‌پردازند. چه شد که شما به صورت جدی به سمت آهنگسازی نرفتید؟ مساله اساساً ذوق و این حرفه نبود زیرا من ذوق بسیاری برای آهنگسازی داشتم اما واقعاً هیچ‌گاه زمان آن را نیافتیم که به صورت جدی به آهنگسازی بپردازم. هرچند قطعاتی برای تار نوشتم‌ام که چاپ هم شده است و شاگردان خوبی هم برای آهنگسازی تربیت کرده‌ام اما همواره به دلیل اینکه تدریس و شرکت در برنامه‌های ارکستر صحنه‌ای تمام وقت مرا می‌گرفت هیچ‌گاه فرصت نکردم که به سمت آهنگسازی بروم. – خودتان وقتی می‌خواهید از صدای تار لذت ببرید، چه کارهایی را واقعاً دوست دارید؟ من معتمد موسیقی تمامش نباید آکادمیک باشد بلکه گاهی‌ها باده‌ام لازم است. خود من ادامه در صفحه ۱۴.....

جایی که تویی جای سخن گفتن من نیست

استاد هوشنگ ظریف از نوادر و نوایغ و دردانگان موسیقی اصیل ایرانی و از معدود نوازندگان تار است که سبک نوازندگی‌اش منحصر به فرد است. امانتداری است امین، امانتی که استادانش، موسی‌خان معروفی و علی‌اکبرخان شهنازی به وی سپردند، در سینه حفظ کرده و با دل و جان روایت می‌کند، اما با حال و هوا و سبک خویش؛ سبکی که ریشه در درونی آرام و قلبی پاک و طبع بلند وی دارد. در نوازندگی او حالات عالی انسانی‌اش کاملاً حس می‌شود. چنان با قدرت و صلابت می‌نوازد که تار، این ساز رام‌نشدنی در دستش همچون موم است. تسلط و هماهنگی دست راست و چپش به روی ساز شگفت‌آور است. «چقدر راحت ساز می‌زند و چه رسا و دلنشین.» تکنیکی بالا، آمیخته با احساسی لطیف و به دور از هر گونه افراط و تفریط. صدای زلال و شفاف‌ساز او (سونوریت)، انگشت‌گذاری‌های مرتب و تمیزش، تکبیه‌ها و کنده‌کاری‌های لطیف و زینت‌هایی که به کار می‌برد و مضارب ریزش که زیانزد اهل فن است مهر نوازندگی ظریفانه استاد هوشنگ ظریف است که از میان تمامی نوازندگان تار از دیروز تا امروز صدای سازش را متمایز و قابل تشخیص می‌گرداند. استاد هوشنگ ظریف از جمله بهترین ردیف‌دانان موسیقی اصیل و ملی ایران است. وی بدون هیچ دخل و تصرفی ردیف را به زبان خود روایت می‌کند که به جرات می‌توان آن را ردیف استاد هوشنگ ظریف نامید. ردیفی را که اکثر هنرجویان و نوازندگان از خشکی و سختی آن شکوه می‌کنند چنان لطیف و زیبا روایت می‌کند که گوید در لحظه به وی الهام شده و جمله‌ای تازه است. حلقه‌های زنجیروار ردیف را از هم باز می‌کند و به هر کدام جداگانه می‌پردازد که برای نسل دیروز و امروز ملموس‌تر و شنیدنی‌تر می‌شود. صبر و سکوتی که بین جملاتش وجود دارد، شنونده را به تفکر و آرامش دعوت می‌کند؛ جملات نابی که حاکی از زیبایی و پرمغزی ردیف موسیقی اصیل ایرانی است و می‌تواند به‌الهام‌بخش نواهای جدید و نو شود و به یقین عشق و علاقه به موسیقی اصیل ایران‌زمین را در وجود انسان صدچندان می‌کند و این گرایش و توجه حاصل یک عمر تلاش و ممارست استادانی همچون هوشنگ ظریف است. استاد ظریف علاوه بر اینکه تکنواز و باده‌نواهی اصی می‌بدیل، در زمینه همراهی با ارکستر و گروه‌نوازی نیز از مهارت و تخصص خاصی برخوردار است که بر هیچ کس پوشیده نیست. آثاری را که با همکاری و یار دیرینه خود استاد فرامرز پایور به یادگار گذاشته‌اند بهترین نمونه از توانایی‌های وی است. از طرفی تکنوازی‌هایش با خوانندگان همراه با ارکستر وزارت فرهنگ و هنر (گروه پایور) از جمله استادان عبدالوهاب شهیدی و محمدرضا شجریان و... جزء بهترین و ماندگارترین آثار موسیقی ملی ایران است. اجرای آثار و تنظیم‌های جلودان و ماندگار استاد بی‌همتای موسیقی ایران فرامرز پایور (نغمه‌ها) در شور و ماهور، پرنیان، فالگوش، آثار درویش‌خان و...) با آن شکوه و جلال، فقط از عهده هوشنگ ظریف برمی‌آمد و بس. استاد ظریف در زمینه نگارش نیز خدمات شایان توجهی به جامعه هنر ارائه داده است. وی با صبر و حوصله و دقت بسیار آثار استادانی چون لطف‌الله مجد، جلیل شهناز، فرهنگ شریف و... را انت‌نگاری و تالیف کرده‌اند تا آشنایی هنرجویان مشتاقان با آن سبک و شیوه آن بزرگواران فراهم کند. ردیف عالی آشنایی علی‌اکبرخان شهنازی در دستگاه راست‌پنجگاه و همچنین کتاب ارزشمند دیگری که شامل نواخته‌ها و قطعات ساخته خود استاد است از دیگر آثار و تالیفات اوست. کتاب چهارم هنرستانش نیز که به تازگی برای ساز تار به چاپ رسیده، چکیده‌ای از ردیف شادروان موسی‌خان معروفی است که به عقیده اینجانب از مهم‌ترین کتب آموزش ساز و فراگیری موسیقی است. وی در کنار فعالیت‌های هنری و خلق آثار ارزشمندش، همواره به تدریس و تعلیم و تربیت شاگردان و مشتاقان هنر مشغول بوده و هست و با نهایت صبر و حوصله، متواضعانه و بی‌دریغ، شیفتگان این هنر والا، از جمله این بنده کمترین را به همواره از گنجینه تجربه‌ها و هنرش بهره‌مند ساخته است. شایان ذکر است که صدای ساز ظریف مرغ‌غمه توانایی و مهارت استادانه‌اش، بانگ اخلاق و خلوص رفتار اوست. دیری است که اینجانب گرمی نگاه نافه و صمیمی‌اش را در محضر استادی وی از عمق وجود لمس کرده و انگیزه‌ای برای ادامه این مسیر پرفراز و نشیب بوده است.

جایی که تویی، جای سخن گفتن من نیست

نه جای سخن گفتن من

جای سخن نیست. استاد هوشنگ ظریف از نوادر و نوایغ و دردانگان موسیقی اصیل ایرانی و از معدود نوازندگان تار است که سبک نوازندگی‌اش منحصر به فرد است. امانتداری است امین، امانتی که استادانش، موسی‌خان معروفی و علی‌اکبرخان شهنازی به وی سپردند، در سینه حفظ کرده و با دل و جان روایت می‌کند، اما با حال و هوا و سبک خویش؛ سبکی که ریشه در درونی آرام و قلبی پاک و طبع بلند وی دارد. در نوازندگی او حالات عالی انسانی‌اش کاملاً حس می‌شود. چنان با قدرت و صلابت می‌نوازد که تار، این ساز رام‌نشدنی در دستش همچون موم است. تسلط و هماهنگی دست راست و چپش به روی ساز شگفت‌آور است. «چقدر راحت ساز می‌زند و چه رسا و دلنشین.» تکنیکی بالا، آمیخته با احساسی لطیف و به دور از هر گونه افراط و تفریط. صدای زلال و شفاف‌ساز او (سونوریت)، انگشت‌گذاری‌های مرتب و تمیزش، تکبیه‌ها و کنده‌کاری‌های لطیف و زینت‌هایی که به کار می‌برد و مضارب ریزش که زیانزد اهل فن است مهر نوازندگی ظریفانه استاد هوشنگ ظریف است که از میان تمامی نوازندگان تار از دیروز تا امروز صدای سازش را متمایز و قابل تشخیص می‌گرداند. استاد هوشنگ ظریف از جمله بهترین ردیف‌دانان موسیقی اصیل و ملی ایران است. وی بدون هیچ دخل و تصرفی ردیف را به زبان خود روایت می‌کند که به جرات می‌توان آن را ردیف استاد هوشنگ ظریف نامید. ردیفی را که اکثر هنرجویان و نوازندگان از خشکی و سختی آن شکوه می‌کنند چنان لطیف و زیبا روایت می‌کند که گوید در لحظه به وی الهام شده و جمله‌ای تازه است. حلقه‌های زنجیروار ردیف را از هم باز می‌کند و به هر کدام جداگانه می‌پردازد که برای نسل دیروز و امروز ملموس‌تر و شنیدنی‌تر می‌شود. صبر و سکوتی که بین جملاتش وجود دارد، شنونده را به تفکر و آرامش دعوت می‌کند؛ جملات نابی که حاکی از زیبایی و پرمغزی ردیف موسیقی اصیل ایرانی است و می‌تواند به‌الهام‌بخش نواهای جدید و نو شود و به یقین عشق و علاقه به موسیقی اصیل ایران‌زمین را در وجود انسان صدچندان می‌کند و این گرایش و توجه حاصل یک عمر تلاش و ممارست استادانی همچون هوشنگ ظریف است. استاد ظریف علاوه بر اینکه تکنواز و باده‌نواهی اصی می‌بدیل، در زمینه همراهی با ارکستر و گروه‌نوازی نیز از مهارت و تخصص خاصی برخوردار است که بر هیچ کس پوشیده نیست. آثاری را که با همکاری و یار دیرینه خود استاد فرامرز پایور به یادگار گذاشته‌اند بهترین نمونه از توانایی‌های وی است. از طرفی تکنوازی‌هایش با خوانندگان همراه با ارکستر وزارت فرهنگ و هنر (گروه پایور) از جمله استادان عبدالوهاب شهیدی و محمدرضا شجریان و... جزء بهترین و ماندگارترین آثار موسیقی ملی ایران است. اجرای آثار و تنظیم‌های جلودان و ماندگار استاد بی‌همتای موسیقی ایران فرامرز پایور (نغمه‌ها) در شور و ماهور، پرنیان، فالگوش، آثار درویش‌خان و...) با آن شکوه و جلال، فقط از عهده هوشنگ ظریف برمی‌آمد و بس. استاد ظریف در زمینه نگارش نیز خدمات شایان توجهی به جامعه هنر ارائه داده است. وی با صبر و حوصله و دقت بسیار آثار استادانی چون لطف‌الله مجد، جلیل شهناز، فرهنگ شریف و... را انت‌نگاری و تالیف کرده‌اند تا آشنایی هنرجویان مشتاقان با آن سبک و شیوه آن بزرگواران فراهم کند. ردیف عالی آشنایی علی‌اکبرخان شهنازی در دستگاه راست‌پنجگاه و همچنین کتاب ارزشمند دیگری که شامل نواخته‌ها و قطعات ساخته خود استاد است از دیگر آثار و تالیفات اوست. کتاب چهارم هنرستانش نیز که به تازگی برای ساز تار به چاپ رسیده، چکیده‌ای از ردیف شادروان موسی‌خان معروفی است که به عقیده اینجانب از مهم‌ترین کتب آموزش ساز و فراگیری موسیقی است. وی در کنار فعالیت‌های هنری و خلق آثار ارزشمندش، همواره به تدریس و تعلیم و تربیت شاگردان و مشتاقان هنر مشغول بوده و هست و با نهایت صبر و حوصله، متواضعانه و بی‌دریغ، شیفتگان این هنر والا، از جمله این بنده کمترین را به همواره از گنجینه تجربه‌ها و هنرش بهره‌مند ساخته است. شایان ذکر است که صدای ساز ظریف مرغ‌غمه توانایی و مهارت استادانه‌اش، بانگ اخلاق و خلوص رفتار اوست. دیری است که اینجانب گرمی نگاه نافه و صمیمی‌اش را در محضر استادی وی از عمق وجود لمس کرده و انگیزه‌ای برای ادامه این مسیر پرفراز و نشیب بوده است.